

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهافت**

سال یازدهم، شماره 40، پاییز 1396
صفحه 65 تا 82

چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن

مصطفی ملکوتیان / استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران mmalakot@ut.ac.ir

محمد حق‌ی / دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی، پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی و دانش

آموزنده حوزه علمیه قم mhaghi59@yahoo.com

چکیده

انقلاب اسلامی و گفتمان آن، با توجه به داشتن شاخصه‌هایی از جمله تاکید بر اسلام ناب، تاکید بر همگرایی اسلامی، استکبار ستیزی، مبارزه با اسرائیل، عقل ورزی و گفتگومحوری در سطح کشورهای اسلامی و نیز در سطح جهان تاثیرات و بازتاب قابل توجهی داشته و دارد. از طرفی جریان‌های تکفیری، با توجه به داشتن ویژگی‌هایی نظیر نقل‌گرایی، عقل ستیزی، خشونت‌گرایی، قشری‌گری، تکفیر برخی از مسلمانان و ... چالش‌های متعددی را علیه گفتمان انقلاب اسلامی بوجود آورده است. مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که جریان‌های تکفیری چه چالش‌های سیاسی علیه انقلاب اسلامی داشته و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ چالش‌های سیاسی شامل مواردی همچون: فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان انقلاب اسلامی، خشونت‌گرایی و خدشه‌دار نمودن رویه مسالمت آمیز انقلاب اسلامی، ترویج اسلام هراسی و ... می‌شود. به تناسب چالش‌های موجود، راهکارها و راهبردهای لازم جهت مقابله با این چالش‌ها ارائه می‌گردد. در این مقاله جهت تبیین بحث از «نظریه بحران» توماس اسپریگنز، با روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

کلیدواژه: جریان‌های تکفیری، انقلاب اسلامی، چالش، راهکار.

تاریخ تأیید 1396/07/03

تاریخ دریافت 1396/05/28

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران منبث از آموزه‌های اسلام ناب بوده و الگوی سیاسی اسلامی ارائه شده از سوی آن و روش‌های فرهنگی هویتی با تاکید بر وجه سیاسی اسلام از موارد تاثیر گذاری در جهان اسلام و جهان معاصر محسوب می‌شود، چرا که مزیت‌ها و نقاط قوت و ضعف انقلاب اسلامی ایران اغلب بر دو محور مبارزه با سلطه‌گری و هویت‌گرایی اسلامی متمرکز شده است که به نحو بارزی این ویژگی‌ها در مواضع جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی، جریان رو به رشدی داشته است. در راستای مقابله با تاثیر گذاری انقلاب اسلامی، برخی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دست به یکسری اقداماتی جهت تقویت گروه‌های تکفیری زده و تلاش نمودند آن را به عنوان جایگزین اندیشه انقلاب اسلامی مطرح نمایند.

جریان‌های تکفیری که به یکی از معضلات دردآور جهان اسلام تبدیل شده، وحدت جهان اسلام را با چالش مواجه کرده و به شدت بر آتش اختلافات فرقه‌ای و مذهبی دامن می‌زنند. علاوه بر نقش اختلافات تاریخی و زمینه و ریشه‌های فکری، نمی‌توان حمایت قدرت‌های استکباری و سرویس‌های جاسوسی دشمن را نادیده گرفت که از این جریان‌ها به عنوان آلترناتیو علیه گفتمان انقلاب استفاده می‌نمایند. این در حالی است که انقلاب اسلامی بر همگرایی و وحدت سطح جهان اسلام تاکید دارد. جریان‌های تکفیری آتش فتنه را به جان مسلمانان انداخته و پدیده اسلام‌هراسی را به نفع صهیونیست‌ها و نظام سلطه تقویت می‌کنند، همچنین ویژگی‌هایی نظیر دشمنی با گفتمان انقلاب اسلامی و اختلاف افکنی در سطح جهان اسلام و هماهنگی با ترندها و دسیسه‌های دشمنان اسلام و ... دارند. در مقاله حاضر به دنبال بررسی چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن می‌باشیم. چالش‌های جریان‌های تکفیری اگر چه در ابعاد و عرصه‌های مختلف از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و ... قابل ملاحظه و احصا می‌باشند و لکن در این پژوهش، تهدیدها در ابعاد سیاسی مورد بررسی واقع شده و در ادامه راهکارهای مقابله با آن ارائه می‌گردد.

در خصوص پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع جریان‌های تکفیری، به اشاره باید اظهار داشت گرچه که آثار و مکتوبات فراوانی در این زمینه نوشته شده و لکن پژوهشی که بر چالش‌آفرینی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی متمرکز باشد، یافت نمی‌شود مگر اینکه در ذیل مباحث مربوطه اشاراتی بر این موضوع صورت گرفته باشد.

1- چارچوب نظری

در مقاله حاضر با توجه به بررسی چالش و ارائه راهکار، از نظریه بحران توماس اسپریگنز استفاده می‌شود. این نظریه مبتنی بر شباهت سازی میان کار پزشکان و متفکران و رهبران سیاسی و اجتماعی است. همانگونه که یک پزشک در مواجهه با بیمار، از آغاز تا پایان، چهار اقدام اساسی انجام می‌دهد، یک متفکر و رهبر هم، در مواجهه با یک جامعه بیمار، چهار مرحله را طی می‌کند، این مراحل عبارتند از: گام نخست: کشف بیماری، بحران، مشکل و معضله، گام دوم: کشف علل و عوامل بروز بحران‌ها و مشکلات، گام سوم: ترسیم جامعه مطلوب و آرمانی ترسیم، و گام چهارم: شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب (لک زایی، 1394: 34). براساس نظریه بحران، در مرحله اول نظریه پردازان از بحران‌های سیاسی که جامعه با آن‌ها درگیر است آغاز می‌کنند. به منظور فهم افکار نظریه پرداز سیاسی، اولین سؤال این است که مشکل او چیست و از نظر او چه چیزی فاسد است و مخرب؟ در مرحله دوم نظریه پرداز به جستجوی علت اصلی مشکلات و نابسامانی‌ها می‌پردازد. نظریه پرداز در این مرحله به مطالعه بیشتر پرداخته و به دنبال سرنخ‌ها می‌گردد (اسپریگنز، 1370: 90).

در مرحله سوم نظریه پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی پرداخته، آرمان شهری در ذهن تجسم کرده و افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. معیارهایی که نظریه پرداز برای جامعه بازسازی شده آرمانی خود در نظر می‌گیرد هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز است. (همان: 147) در مرحله آخر اسپریگنز راه درمان را با طرح شکاف «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» پی می‌گیرد او معتقد است نظریات سیاسی، با بینش جامع خود از نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی را دربردارند و شامل ارزیابی قابلیت‌ها، امکانات و ضرورت‌ها و حقایق هستند (همان: 189). بر این اساس نه به صورت تطبیقی، بلکه فی الجمله با استفاده از نظریه بحران و برخی مراحل آن، چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله آن بررسی می‌گردد.

در موضوع حاضر و در چارچوب نظریه بحران، اولاً جریان‌های تکفیری، گونه‌ها و شاخصه‌های آن مورد شناسایی قرار گیرد. ثانیاً این جریان‌ها چه بحران‌ها و چالش‌هایی را به دنبال دارد، مورد توجه قرار گیرد. ثالثاً بایستی چرایی و عوامل شکل‌گیری این جریان‌ها واکاوی شود. و در نهایت به ارائه راهکار پرداخته شود. از بین مراحل مطرح شده مربوط به جریان‌های تکفیری و چالش‌های آنها، بحث چرایی و عوامل شکل‌گیری و نیز شاخصه‌ها و ویژگی‌های این جریان‌ها مفروض و مفروغ عنه تلقی می‌شود. لازم به توضیح است که

جریان‌های تکفیری دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی از جمله: نقل‌گرای، ظاهرگرایی (فشری‌گری)، عقل‌ستیزی، خشونت‌گرایی، اعتقاد به تکفیر و ... بوده و عوامل مختلف فکری، فرهنگی و سیاسی از جمله: اندیشه‌های افرادی همچون ابن‌حنبل، ابن‌تیمیه و ابن‌عبدالوهاب، اختلافات هویتی و قومیتی و نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در شکل‌گیری آنها موثر می‌باشد. بر این اساس تمرکز مقاله، بر چالش‌های ایجاد شده (بحران) و ارائه راهکار و راه حل مقابله با آنها خواهد بود.

2- چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی

در قالب نظریه بحران یکی از مراحل اساسی حل بحران، شناسایی مشکل و معضل می‌باشد. در مسئله جریان‌های تکفیری، بایستی این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که این جریان‌ها برای موجودیت انقلاب اسلامی و گفتمان آن چه مشکلات و معضلاتی را ایجاد نموده‌اند. در این راستا گفتنی است: جریان‌های تکفیری مشکلات و چالش‌های متعددی را علیه گفتمان انقلاب اسلامی بوجود آورده است، چالش‌های موجود دارای ابعاد مختلفی است که در این پژوهش، چالش‌های سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. چالش‌های سیاسی که از سوی این جریان‌ها علیه گفتمان انقلاب اسلامی وجود دارد، به نظر می‌رسد شامل مواردی همچون: فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان انقلاب اسلامی، خشونت‌گرایی و خدشه‌دار نمودن رویه مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی، ترویج اسلام‌هراسی و ناامن‌سازی جهان اسلام، تقابل با هویت شیعه و تجزیه کشورهای اسلامی شود که در ادامه به تبیین و توضیح آنها می‌پردازیم.

2-1- فراموشی آرمان و راهبرد وحدت اسلامی

یکی از شاخصه‌ها و اهداف گفتمان انقلاب اسلامی، همگرایی و وحدت مسلمانان است. انقلاب اسلامی در شرایطی این مهم را سرلوحه اقدامات خود قرار داد که زمینه‌های تفرق و اختلاف میان کشورهای اسلامی، از سوی دشمنان اسلام به شدت تقویت می‌شد؛ لذا امام خمینی به عنوان رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی، ایجاد وحدت در میان مسلمانان را به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب اسلامی برشمردند (امام خمینی، 1378، ج 1: 336). جهان اسلام در صورت عمل کردن به آموزه‌های دینی و قرآنی، امت واحده است. تصور جهان اسلام به عنوان امت واحده و کل یک‌پارچه که نیروی انسانی و منابع انرژی بسیار زیادی دارد، در نظام بین‌الملل دارای جایگاه تعیین‌کننده خواهد بود. حرکت‌هایی در جهان اسلام در این زمینه، مانند شکل‌گیری کنفرانس اسلامی، حرکت‌های تقریبی و ... نیز

شکل گرفته است که گفتمان انقلاب اسلامی از منادیان این آرمان و پیگیر راهبرد وحدت اسلامی می‌باشد، اما مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند رسیدن جهان اسلام را به این آرمان ناکام کند؛ درگیری‌های مذهبی و تشنیت‌های درونی است. کوبیدن بر طبل تکفیر و افراط‌گرایی، جهان اسلام را به درگیری‌های داخلی فروخواهد برد و امت واحده در حد آرمانی دست نیافتنی باقی خواهد ماند. یکی از زمینه‌های هم‌گرایی در جهان اسلام، حرکت‌های تقریبی است که علمای شیعه و سنی به آن اهتمام ورزیده‌اند. علمایی مانند شیخ شلتوت، آیت الله بروجردی، امام خمینی و ... سیرتفکری را دنبال کرده‌اند که به هم‌گرایی جهان اسلام کمک می‌کند و توجه به مشترکات در این اندیشه، فرصت‌های زیادی برای جهان اسلام فراهم می‌نماید، اما تحریک جریان‌های تکفیری و حمایت قدرت‌های بین‌المللی از آنها، این سنت فکری و عملی را در تاریخ مسلمانان، خدشه‌دار کرده است. گسترش اندیشه جریان تکفیری به برجسته شدن افتراق‌های گروه‌های مختلف مسلمانان و فراموش شدن محورهای مشترک و در نهایت، شکسته شدن استراتژی‌های تقریب منجر می‌شود (شیخ حسینی و خلیلی، 1393 ج 2: 525).

با توجه به باورهای تنگ‌نظرانه این جریان‌ها، زمینه‌های شقاق و گسست در کشورهای اسلامی فراهم شده است، اختلافاتی که از گذرگاه عقیده عبور کرده، به همه ساحت‌های دیگر از جمله سیاست و اجتماع کشانده شده است، به گونه‌ای که در حلقه مسلمانان آنان، کمتر مسلمانی قرار می‌گیرد و بسیاری از آنها مستحق قتل و غارت می‌شوند. سلفیه جدید با توسعه در دایره بدعت بسیاری از مسائل علمی و مذهبی و اختلافی را که سلفیه قدیم معمولاً در حوزه اختلافات اجتهادی قرار می‌دادند، مشمول بدعت می‌دانند و مخالفان خود را به عنوان اهل بدعت طرد و تکفیر می‌کنند و گاهی نیز به ابزاری دلخواهانه در توجیه حمله به مخالفان نوسلفی بدل می‌شود، این اندیشه بیانکه وجه مثبت آرا و اعمال انسان‌ها را ببیند، بیشتر دیدگاهی بدبین و عیب‌جویانه است، میل دارد مخالف مذهبی خود را اهل بدعت و بنابراین دشمن پندارد. با این نگره، هم جامعه دچار اختناقی شدید در عرصه علمی می‌شود و هم در حوزه سیاسی - اجتماعی کسی احساس امنیت نمی‌کند. هرچند در طول تاریخ در کشورهای اسلامی فرقه‌ها و مذاهب مختلف مذهبی و کلامی در کنار هم زندگی کرده‌اند و قرن‌ها با هم و در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با گفت‌وگو داشته‌اند، اما با تأسف، باید باور کرد که در چند دهه اخیر، گروه‌های تکفیری، با فتواها و نوشته‌های خود، زمینه‌های آرامش اجتماعی را، که لازمه پیشرفت جامعه است، از میان برده، زمینه‌های

گسست اجتماعی و اختلافات خانمان برانداز را فراهم کرده‌اند (سیدباقری، حسینی و ملاشفیعی، 1393، ج 6: 363-347).

جریان‌های تکفیری با تاکید بر تکفیر فرقه‌های اسلامی بویژه شیعیان، نقش مهمی در واگرایی، شکاف و اختلاف در میان جوامع اسلامی دارد. این موضوع بویژه به دلیل تعارض مبانی فکری و عملکردی آنان با شیعیان به عنوان روافض و تاکید بر اولویت جهاد با آنان حتی قبل از یهود (اسرائیل) از اهمیت بسیاری برخوردار است چنانچه با گسترش این اندیشه‌های انحرافی تکفیری، زمینه‌های اجتماعی مقابله با شیعیان و بویژه ایران (قلب جهان تشیع) در میان توده‌های مسلمان تقویت می‌گردد. در این زمینه باید توجه داشت که با توجه به اولویت ملت‌ها در سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران، گسترش اندیشه‌های تکفیری یکی از مهم‌ترین موانع جدی فراروی گفتمان انقلاب اسلامی برای دستیابی به وحدت جهان اسلام و از منابع تهدید آفرین می‌باشد (عموری و جاودانی مقدم، 1393: 369).

گفتمان تکفیر با ایجاد انشقاق در بین امت واحده اسلامی و انحصار حقانیت بر خویش و فرض کردن بقیه مذاهب به عنوان «غیر» که این ویژگی را از استکبار و امپریالیسم وام گرفته است، عملاً در پیکره امت واحده اسلامی شکاف ایجاد کرده است. این در حالی است که مذاهب اسلامی در مسائل کلان امت اسلامی همیشه در طول تاریخ دارای وحدت رویه بودند و با وجود اختلافات ریز، هیچگاه کلیت امت اسلامی را تهدید نمی‌کردند. یکی از این مسائل کلان قضیه فلسطین بود و هست که علمای اسلام در محکوم کردن اشغال و در دفاع از مردم فلسطین و توصیه مسلمانان به مقابله با اشغالگران بیانیه‌هایی مهمی صادر نمودند. این در حالی است که گفتمان تکفیر نه تنها نسبت به قضیه فلسطین موضع خنثی دارد بلکه در مواردی با اشغالگران همسو بوده است. (کاظمی، 1393: 194) و به بیان آیت الله خامنه‌ای «جریان تکفیر، در مقابل رژیم صهیونیستی یک اخم هم نمی‌کنند و حتی با این رژیم برای مقابله با مسلمانان همکاری می‌کنند ولی برای ضربه زدن به کشورها و ملت‌های اسلامی، حضور فعال دارند.» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، 1393/9/4).

2-2- حاشیه رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام حمایت از ملل مسلمان و متضعف جهان و نیز حرکتها و نهضت‌های آزادی بخش به عنوان یکی از سیاستهای مهم و اصولی ایران در سیاست خارجی، مسئله حمایت از مردم فلسطین و مبارزه جدی و مستمر علیه اسرائیل و صهیونیسم از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم دولتمردان نظام جمهوری اسلامی